

## هشت مارس، روز تدارک انقلاب و نه چیزی کمتر!

هشت مارس ۱۴۰۲، چهل و پنج سال از شورش علیه فرمان حجاب اجباری خمینی می گذرد و جنگ این رژیم دینمدار فاشیست علیه زنان هنوز ادامه دارد. مقاومت ۴۵ ساله زنان به اوج هایی مانند خیزش «زن، زندگی، آزادی» نیز رسید اما هنوز نتوانسته است به ویرای مقاومت رفته و تبدیل به انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی بشود. تا کی به شورش علیه شرایط اسارت اکتفا خواهیم کرد؟ و می دانیم که نتیجه حداکثری شورش ها، به تکان در آوردن زنجیرهای اسارت است و نه شکستن آنها. انقلابی را که دائماً ضرورت خود را به رخ می کشد، چگونه می توان تدارک دید و به مرحله عمل در آورد؟ آیا اجازه خواهیم داد مانند ۴۵ سال پیش، جای یک رژیم ارتجاعی ستمگر را یک رژیم ارتجاعی دیگر بگیرد و فاجعه دیگر رخ دهد؟ اگر خیر، نیروی زنان در فعلیت بخشیدن به انقلاب چه جایگاهی دارد؟ از هم اکنون چگونه برای انقلاب و جنگ با این رژیم تدارک می بینیم؟

با سرنگون شدن رژیم شاه و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، ستم بر زن شکل های وحشتناک تری به خود گرفت. جمهوری اسلامی ترکیب غریبی از روابط اجتماعی اسلامی/برده داری و روابط سرمایه داری- امپریالیسم به وجود آورد و زنجیرهای بردگی زنان را تقویت کرد. 45 سال حکومت دینمدار در ایران نشان می دهد، هر جا بنیادگرایی دینی حاکم باشد، پدر/مردسالاری شدید و زن ستیزی تهاجمی حاکم خواهد بود. اما ستم بر زن و روابط مرد/پدرسالاری با شدت روزافزون در تمام جهان جاری است. زیرا، ستم بر زن یک اصل جهانشمول برای سیستم سرمایه داری بوده و بخشی از سوخت و ساز ثرمال آن است. اما در چند دهه گذشته، تغییرات کلانی در چارچوب سیستم سرمایه داری جهانی رخ داده است که زنان را به طرز بی سابقه ای وارد چرخه فعالیت های اقتصادی کرده است به طوری که بازار کار «زنانه» و فقر «زنانه» شده است. این یک پدیده جهانی است که شامل ایران هم می شود. این تغییرات، ساختارهای روابط مرد/پدرسالاری را به لرزه در آورده و در واکنش به آن، طبقات حاکمه در کشورهای «شمال جهانی» و «جنوب جهانی» هرچه بیشتر به تقویت خانواده و ارزش های سنتی دست انداخته اند. از جمله تقویت حق مردانه، دامن زدن به فرهنگ نفرت از زن مستقل، قتل و شکنجه حکومتی برای اعمال حجاب اجباری، لغو حق سقط جنین و فرزندآوری اجباری در آمریکا. گسل ستم بر زن تبدیل به خصلت نمای پوسیدگی ناب نظام سرمایه داری شده است. این گسل، مرتباً با حرکتش یک نیروی اجتماعی بزرگ در مقیاس جهانی تولید می کند که رهایی اش به طور قطع در گروی محور انقلابی و رادیکال روابط مالکیت سنتی و افکار سنتی است و می تواند سیستم قدرتمند سرمایه داری جهانی را با انفجارهای مهیب به لرزه در آورده و امکان سرنگون کردن آن را تقویت کند.

همان قوای محرکه و حرکت های سرمایه داری که باعث به وجود آمدن ستم بر زن و تبدیل آن به یک گسل جدی برای سیستم سرمایه داری شده است، بشریت را بر سر یک دوراهی قرار داده است که باب آواکیان در تحلیل بی نظیر و درخشانی آن را گره گاه «آینده وحشتناک یا حقیقتاً رهایی بخش» می خواند. قوای محرکه بسیار پویای سیستم سرمایه داری امپریالیستی و تغییرات دائمی و توقف ناپذیری که در دنیا به وجود می آورد، خود این سیستم را با مخاطرات بزرگ مواجه کرده است. اجبار امپریالیسم آمریکا و پادگان نظامی اش در خاورمیانه (اسرائیل) در دست زدن به نسل کشی در غزه، جنگ نیابتی میان امپریالیست های روسیه و ناتو در اوکراین، نشانه آن است که جهان امپریالیستی نیازمند نظم بندی جدید است. اما هرگز نباید گذاشت که سرنوشت این نظم بندی جدید در دست امپریالیست ها بماند. زیرا، منتهی به اوضاعی خواهد شد که بسیار وحشتناک تر از وقایع امروز است. مردم جهان با انقلاب های کمونیستی باید به این جهان نظم جدید بدهند و نه امپریالیست ها و نه دولت های مرتجع مانند ایران، اسرائیل، پاکستان، ترکیه، افغانستان ... که وابسته به این یا آن قدرت امپریالیستی و خدمتگزاران نظام سرمایه داری جهانی هستند. جنگ های ویرانگر، نسل کشی، خیزش های مردم در نقاط مختلف جهان، نمونه هایی هستند که چطور تغییرات بی وقفه در دنیا، ساختارهای دولتی امپریالیست ها و مرتجعین را فشل و آماده سرنگون کردن می کند.

اما راه انقلاب هنوز بسته است. کارکرد عادی سرمایه داری و سیاست دولت ها، نیمی از جمعیت بشری را فارغ از تمایزات طبقاتی درون شان آماج تهاجم بیرحمانه خود قرار داده است. اما اکثریت قریب به اتفاق این نیروی اجتماعی که به شدت نیازمند انقلاب است چیزی در مورد انقلاب و راه از بین بردن ستم بر زن و ایجاد جامعه ای که در آن دیگر آدم ها به طبقه کارگر و طبقه بورژوا، به «زنان» و «مردان»، به نژادها و ملل مختلف تقسیم نمی شوند، نمی دانند.

## وقت تنگ است! خود و مردم را برای اتفاقات بزرگتر آماده کنیم

به طور عاجل، در مقاومت های کوچک و بزرگ زنان باید دخالتگری انقلابی کرد و حداکثر آنان را به درون جنبشی با هدف انقلاب کمونیستی بر مبنای کمونیسم نوین کشید: جنبشی برای انقلاب!

زیرا این ضرورت عاجل برای رهایی تمام بشریت است. با سرکوب خونین خیزش ژینا و افتی که در آن ایجاد شد، بسیاری به دریای افسردگی و ناامیدی پرتاب شدند. اگر آنان به تشریح علمی از وضعیت و تنها راه که انقلاب است آگاه بودند، بسیار کمتر از این دچار ناامیدی می شدند. پس، انفعال سیاسی را باید کنار زد. اوضاع در ایران و جهان مرتبا تغییر خواهد کرد. تلاطم ها و آشوب های بزرگ در راه است. بدون درک این که چرا این اتفاقات می افتند و ربط آن ها به ستم و استثمار افسارگسیخته ده ها میلیون نفر در ایران و جنایت های جمهوری اسلامی علیه زنان چیست، هرگز نمی توان راه حل را یافت.

توده های مردم ضرورت تغییر رادیکال را به شدت احساس میکنند. برای این که ببینند راه واقعی برای چنین تغییری هست باید با جهان بینی های غلط سیاسی که در میان شان رواج دارد بجنگیم. آنان باید به طور علمی درک کنند که هیچ چیز مثبتی از سمت گیری با جمهوری اسلامی یا با امپریالیسم آمریکا حاصل نخواهد شد. هرکس از امپریالیسم آمریکا متنفر است باید از جمهوری اسلامی هم متنفر باشد و هر کس از جمهوری اسلامی متنفر است باید از امپریالیسم آمریکا هم متنفر باشد. این جزئی لاینفک از پلاتفرم سیاسی رهایی بخش در ایران است و برای شکل گیری «جنبشی برای انقلاب» تعیین کننده است. باید حصارهای نگرش ناسیونالیستی مبارزین و توده های مردم را بشکنیم تا از اسارت فکری رها شوند. هنگامی که بتوانند با دقت و عمق علمی به واقعیت جهان نگاه کنند، آنگاه از یک طرف، در هم تنیدگی عمیق جمهوری اسلامی و اسراییل و قدرت های امپریالیستی «غرب» و «شرق» و از طرف دیگر، در هم تنیدگی سرنوشت چند میلیارد مردم تحت ستم و استثمار جهان را خواهند دید و معنای واقعی «انترناسیونال است نژاد انسان ها» را با تمام وجود احساس خواهند کرد و هرگز دست از این احساس رهایی بخش که پایه در واقعیت مادی دارد نخواهند کشید. همچنین باید سیاست های هویتی و نسبیّت گرا و شکل های فعالیت که زمان را به هدر می دهند، کنار بزنیم. زنانی که با توهمات بورژوادموکراتیک انتظار دارند قدرت های حاکم و نهادهای «بین المللی» نیم نگاهی به «حقوق زنان» کنند، در بهترین حالت ساده لوح هایی هستند که به داشتن زنجیر اسارت عادت کرده اند و می خواهند زنان دیگر را هم دعوت به این عادت کنند. این گرایشات تلاش می کنند آلترناتیو انقلاب واقعی را از میدان به در کرده و کمونیست های انقلابی را از فضاهای مبارزاتی بیرون کنند! سازش با این حرکت ارتجاعی، به تقویت زنجیرهای بردگی خدمت میکند. هیچ چیز نمی تواند مانند کمونیسم نوین تصویر علمی از واقعیت به مردم و به کسانی بدهد که واقعا در پی درک «معضل چیست و راه چیست» هستند. هیچ انسان مبارزی نباید عمر خود را در جنبش هایی تلف کند که هدف تغییر رادیکال جامعه، نقشه راه و سازمان دهی نقشه مند برای آن را ندارند، و مردم را محکوم به درجا زدن در چارچوب وضع موجود می کنند که نتیجه اش به واقع وحشتناک است.

خیزش ژینا جسورانه بر برج و باروی بردگی پدر/مردسالاری در ایران کوبید و گوشه ای از ظرفیت عظیم زنان جهان را نشان داد که می تواند رها کننده بشریت باشد و تبدیل به نیروی ضربت انقلاب برای ریشه کن کردن ستم و استثمار شود که ما را احاطه کرده است. خاورمیانه و ایران و تمام دنیا آستان رخدادها و غیر منتظره های بزرگی است. در تمام این وقایع، برنامه و نیروی سازمان یافته انقلاب کمونیستی با وجود نیروی کم باید در صحنه باشد و به مردم کمک کند که خلاف جریان حرکت کنند و فرصت های انقلابی نهفته در دل این اوضاع را ببینند. راه حل انقلاب و نه هیچ چیز کمتر از آن و این که بشریت با کمونیسم نوین می تواند راه آن را از هم اکنون باز کند، باید به گوش شورشگران خیزش ژینا و خیزش های دیگری که در راه است برسد و در جای جای جامعه تریبون جدیدی برای یک خط واقعا انقلابی ایجاد کند.

حزب کمونیست ایران (م.ل.م)

اسفند ۱۴۰۲ - مارس ۲۰۲۴